هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

سرمقاله

نشست سه جانبه

ص۲

خطابهٔ اوباما و موج نوین شرق میانه

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ هشتم ۷ جوزای ۱۳۹۰ ۲٤ جمادی الثانی ۱٤۳۲ - 29 May 2011



رئیس شورای عالی صلح و قربان قلی بردی محمداف در این مذاکرات بر اهمیت برقراری صلح در افغانستان و داشتن روابط دوستانه در عرصه های مختلف تأکید نمودند.

سفر هیأت شورای عالی صلح به ترکمنستان

ص۲

کنفرانس سه جانبهٔ کابل

در اوایل هفتهٔ گذشته اعلام شد که قرار است نشست سه جانبه میان نمایندگان امریکا، افغانستان و پاکستان در کابل صورت گیرد. خانم تهمینه جونجو سخنگوی وزارت خارجهٔ پاکستان گفت که در این مذاکرات سه جانبه در مورد جنگ و صلح در افغانستان بحث صورت خواهد گرفت.

از زمان کشته شدن سه پاکستانی به دست یک پیمان کار ادارهٔ استخبارات مرکزی امریکا (سیا)، این نخستین نشست سه جانبه میان مقامات سه کشور بود. ماجرای ریمون دیویس در لاهور و دستگیری وی به دست مقامات پاکستانی و محاکمهٔ وی علی الرغم در خواست های مکرر امریکا در مورد رهایی وی، روابط میان سازمان سیا و ادارهٔ استخبارات نظامی پاکستان را به تیرگی کشاند و مذاکرات سه جانبهٔ معمول میان سه کشور را که قرار بود در ماه فبروری در واشنگتن برگزار گردد به تعویق انداخت.

اکنون با توجه به تغییر موضع پاکستان می توان گفت که وضع تغییر کرده است. بعد از کشته شدن اسامه بن لادن در ایبت آباد پاکستان به دست نیروهای امریکایی، به نظر می رسد که پاکستان مجبور گردیده تا در موقف خود تغییر وارد آورد. در مذاکرات سه جانبهٔ اخیر کابل، جانب افغانی از پاکستان تقاضا کرد تا در پروسهٔ صلح در افغانستان سهم فعال تر بگیرد. جاوید لودین معاون سیاسی وزارت خارجهٔ افغانستان گفت که ما از پاکستان خواهان اقداماتی هستیم که تاکنون انجام نداده است.

دولت پاکستان از طرف دولت افغانستان متهم است که با تمویل و تجهیز مخالفین مسلح دولت افغانستان، در ص۳

حدیث آزادی روح از زبان پیشروان سخن

ص۴

ترک مجلس از سوی وزیر دفاع، توهین به نمایندگان ملت است





مجلس نمایندگان روز چهارشنبه ۴ جوزا، مقامات امنیتی کشور را به منظور استجواب در بارهٔ حوادث امنیتی که در روز های اخیر در مرکز و برخی از ولایات رخداده بود فراخواند.

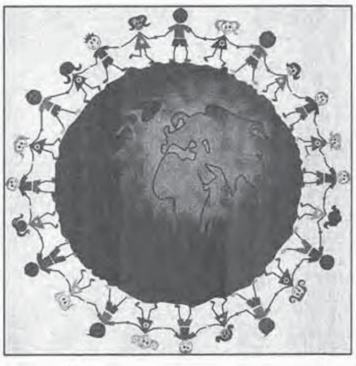
وقوع این گونه حوادث در مراکز نظامی که ظاهراً از امنیت بیشتر برخور دار است، حضور مقامات امنیتی به ویژه وزیر دفاع را برای دادن توضیحات اجتناب نا پذیر می ساخت.

رخداد شفاخانهٔ سردار محمد داوود در وزیر اکبر خان، کشته و زخمی شدن بیش از ۲۰ دانشجو هنگام صرف غذا، حملهٔ دسته جمعی بالای چندین ساختمان دولتی در ولایات قندهار، خوست و بالآخره حمله بر مقر وزارت دفاع جایی که با چندین کمر بند امنیتی احاطه شده است، حساسیت موضوع را در نزد نمایندگان مردم بیشتر ساخته بود.

انتظار می رفت مقامات امنیتی در مورد رخدادهای این چنینی پاسخگو و در صورت عدم قناعت نمایندگان منتظر پیامدهای بعدی باشند که ولسی جرگه صلاحیت تصمیم گیری آن را دارد. قسمی که دیده شد، چشم انداز بحث های روز چهار شنبه ص۶

به بهانهٔ روز جهانی طفل

آیندهٔ هر جامعه بستگی به کودکان آن دارد



بعد از خانواده هر قدر محیط پرورش اطفال انسانی بوده باشد، اطفال می توانند در فضای این محیط سالم، با مسوولیت و دارای هویت مشخص دینی و ملی تربیه گردند. برای کودک که مفهوم و مدلول محبت را در خانه، درک نکرده است، مشکل است این کمبود را در محیط های دیگر جبران نماید؛ حتا گفته اند که کودک و قانونمداری، کودک و قانون گریزی از محیط خانواده آغاز می شود. ص۷



میزان رشوه ستانی در ادارات دولتی سالانه به ۲,۵میلیارد دالر می رسد

ص۷

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، چوک دهمزنگ، به استقامت سرک دارالامان، دست چپ ترسیده به هوتل کابل شاهان
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

نشست سه جانبه

سال هاست کشورما دستخوش خشونت و ناامنی و بی ثباتی است، که مایهٔ نگرانی گستردهٔ شهروندان گردیده است از همین سبب است که مردم تصمیمی در روند زندگی شان اتخاذ کرده نمی توانند، آنجاست که بالای اقتصاد کشور اثر منفی به جا می گذارد، فقر در جامعه حاکم می شود. نبود امنیت چالش ها و تنش های متعددی را دامنگیر مردم و دولت می سازد.

بعد از این که طالبان در دههٔ هفتاد به وجود آمدند و در عرصهٔ نظامی و سیاسی رشد کردند، بالاخره بر کرسی حاکمیت کشور تکیه زدند، بعد از پنج سال دوباره از قدرت رانده شدند، گروه های تروریستی و القاعده نه تنها در افغانستان بلکه در کشور همسایه (پاکستان) نیز رشد کرد. در تمام این ادوار، در هر رخدادی، دولت های هر دو کشور یکدیگر را به این متهم می کردند که گویا ریشهٔ تروریسم در آنجاست. اما کشته شدن رهبر القاعده به این اتهامات نقطهٔ پایان گذاشت و به جهانیان برملا شد که سر نخ معضله در کجاست.

اما نشست های دیپلوماتیک و سفرهای مقامات هر دو کشور گاهی بالواسطه و زمانی هم بدون واسطه، ادامه داشته و هر دو جانب تأکید بر این دارند که ریشهٔ تروریزم را باید خشکاند، امنیت و عدم امنیت هرکدام در این کشورها اثر مستقیم بالای یکدیگر دارد.

سه شنبهٔ هفتهٔ گذشته، نشست سه جانبهٔ معاونان وزارت خارجهٔ افغانستان، پاکستان و معاون سفارت امریکا مقیم کابل، در پایتخت کشور دایر گردید که در کنار دیگر مسایل امنیتی و منطقوی، روی پروسهٔ تامین صلح در افغانستان بیشتر تمرکز داشت. طرفین نشست، در یک کنفرانس مطبوعاتی تأکید براین داشتند که حل معضلهٔ افغانستان تنها از راه نظامی غیر ممکن است، جهت پیوستن طالبان میکانیزمی در شورای عالی صلح وجود دارد که به کمک پاکستان این پروسه می تواند اعتماد مخالفان را جلب کند، پروسهٔ صلح کاملاً پروسهٔ افغانی خوانده شد و پاکستان هر نوع آمادگی کشورش را در این راستا اعلام کرد، همچنان افغانستان از پاکستان خواهان اقداماتی شده که تا حال انجام نداده است. گمانه زنی هایی وجود دارد که در این نشست فشارهای بیشتری بالای پاکستان وارد شده باشد.

اولین اجلاس سه جانبهٔ افغانستان، پاکستان و امریکا به سطح وزرای خارجه، در اوایل اپریل سال جاری در اسلام آباد راه اندازی شده بود. بنا به گفتهٔ وزارت خارجهٔ افغانستان، سومین سلسلهٔ این نشست ها در آیندهٔ نزدیک در کابل راه اندازی خواهد شد.

همچنان حامد کرزی و اندرس فوگ راسموسن سرمنشی ناتو در همین روز در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک، روی مبارزهٔ جدی علیه تروریسم تأکید داشتند و از پاکستان خواستند تا گام های بیشتری برای نابودی تروریستان مناطق سرحدی هردو کشور افغانستان و پاکستان بردارد.

بارک اوباما، در سخنرانی اش به اعضای پارلمان بریتانیا به روند صلح در افغانستان تأکید کرد و با صدراعظم بریتانیا به موافقه رسیده اند که در ماه های آینده، به مذاکرات صلح با طالبان اولویت دهند. اوباما گفته است، کسانی را به مذاکرات صلح تشویق خواهند کرد که روابط خود با القاعده را قطع، قانون اساسی افغانستان را پذیرا و سلاح خود را بر زمین بگذارند! اما این نکته روشن نیست که این اقدامات صلحجویانه از طریق شورای عالی صلح صورت می گیرد و یا امریکا و بریتانیا از طریق خود اقدام می کنند. طوری که روزنامه های غربی در دو هفتهٔ اخیر نوشته بود که امریکا سه مراتب با طالبان مذاکره کرده است.

جمعیت اسلامی افغانستان از هر اقدامی که بتواند در ختم جنگ و محو تروریسم کمک نماید و صلح و ثبات را در کشور حاکم گرداند، استقبال می کند و از دولت افغانستان، کشورهای همسایه، منطقه و جامعهٔ جهانی می خواهد تا در این راستا صادقانه و بر مبنای عدالت گام بردارد.

خطابهٔ اوباما و موج نوین شرق میانه



سید عنایت الله شاداب/استاد دانشگاه کابل

رئیس جمهور امریکا اوباما در خطابه ای که در پارلمان انگلیس در حضور نمایندگان مجلس عوام و مجلس سنا، ایراد کرد، به نکات مهمی در پیوند به سیاست جهانی و ظهور قدرت های جدید اقتصادی چون چین ، هند و برازیل اشاره نموده و تحولات شرق میانه و قضیهٔ فلسطین را به نحوی به بررسی گرفت که گویی می خواهد زمام رهبری موج نوین این منطقهٔ طوفانی را به دست گیرد و پشتیبانی های بیدریغ خویش از رژیم های خود کامه و سرکوبگر در شرق میانه را در ذهنیت ها کمرنگ جلوه دهد و رهبری موجی را به دست گیرد که بدور از تبانی با قدرت های جهانی جوانه زده و در حال شاخ و پنجه کشیدن و سایه گستردن بر مراکزی است که در سیاست قدرت های جهانی نقطه های محوری را تشکیل می دهد.

اوباما در ین خطابهٔ خود که فضای مهم جهان از جمله مقابله با تروریزم در افغانستان و پاکستان و سیاست اجرای تحریم اقتصادی علیه کوریای شمالی و ایران و... را در محراق توجه خویش قرار داد، هرگز به این پرسش نقش بسته در اذهان جهانیان پاسخ نداد که چرا اسرائیل به حیث یک قدرت اتومی در شرق میانه که عامل اصلی تهدید به صلح به شمار می رود، در تحریم ها به دورست، و تنها ایران و کوریایی شمالی در محراق توجه قرار دارد؟ آیا چنین سیاست و همچو موضگیری در برابر قضایای داغ منطقه ای می تواند نقش مؤثری را در اقناع ذهنیت های جهانی بازی نماید؟

اوباما درین خطابهٔ خود خواست رهبری امریکا در جهان معاصر را رهبری ارزش ها وانمود سازد نه رهبری قدرت سیاسی و نظامی آن، ذهنیت آگاه را دربرابر این پرسش قرار داد که چرا تطبیق این ارزش ها و نگرانی ها عمومیت ندارد، جنبش هایی به خاطر دفاع از آزادی و آزاد زیستن و تعیین سرنوشت خویش به نام تروریست یاد می شوند وگروه هایی هم در تعقیب چنین خطی، قهرمان های آزادی و آزادگی لقب می گیرند. قضیهٔ فلسطین و منازعهٔ آن با اسرائیل در سرزمین آبایی فلسطینیان از همان گونه قضایاست.

رژیم حسنی مبارک در مصر و رژیم مستبد زین العابدین بن علی در تونس هردو ازین رهگذر مورد تأیید قدرت های ذی نفع در منطقه قرار داشتند که جنبش های مردمی را که برای آزادی و تعیین سرنوشت خویش می رزمیدند سرکوب نموده وروانهٔ سلول های زندان می کردند.

و جنبش حماس در فلسطین که برای زندان برپایی یک دولت مستقل فلسطین و برخوردار از قدرت دفاع می رزمد به نام تروریست خوانده می شد خود اوباما رئیس جمهور امریکا در خطابهٔ خویش هرگز به جنایات اسرائیل در برابر مردم بی دفاع غزه ، تماس نمی گیرد.

آیا ادامهٔ چنین سیاستی در برخورد با قضایای جهانی و منطقه ای خواهد توانست این ادعای اوباما را مورد تائید قرار دهد که رهبری امریکا رهبری ارزش ها است نه رهبری بر بنیاد قدرت اقتصادی و نظامی.

آری! همین ذهنیت های تلخ موجود، منجر به آن گردیده است که سیاست اوباما در شرق میانه، سیاست یک بام و دو هوا نام گیرد.

نکتهٔ اخر هم در نوشتار کوتاه و مختصر این که، آنچه امروز در شرق میانه و سایر نقاط جهان به حیث خیزش های مردمی جاده ها و خیابان ها را در اختیار دارد گذشته از این که باورهای مردمی برخاسته از اعماق خواسته های مردم به حیث عامل درونی به خوانش گرفته می شوند، عوامل بیرونی این قیام ها و رستاخیزی ها، همانا تعقیب سیاست های غیر عادلانهٔ قدرت های بزرگ جهانی است که منجر به بروز جهانی توفان ها گردیده است.

تحولات جدید شرق میانه رستاخیز های برخاسته از اعماق باورها و آرمان های آزادی خواهانهٔ این منطقه گواه راستینی است بر این حقیقت که جهان با همه محرومیت های اقتصادی و فقدان برخورداری از دست آوردهای علمی، سیاست جهانی حاکم و سرنوشت ملت ها را به دیدهٔ انکار نگریسته و با چنین خیزش ها پاسخ منفی خود را در برابر آن تبارزمیدهند. خیزش ها و قیام هایی که نظم دیگری جدا از نظم نوین حاکم بر جهان فعلی را مژده می دهند و همین است حکم سنت های تأریخی.

سفر هیأت شورای عالی صلح به ترکمنستان

استاد برهان الدین ربانی رئیس شورای عالی صلح که در رأس هیأت بلند پایه به عشق آباد سفر کرده بود اوایل هفتهٔ گذشته، با مقامات ترکمنستان از جمله رئیس جمهور آن کشور دیدار و گفتگو نمود.

رئیس شورای عالی صلح و قربان قلی بردی محمداف در این مذاکرات بر اهمیت برقراری صلح در افغانستان و داشتن روابط دوستانه در عرصه های مختلف تأکید نمودند.

سفر رئیس شورای عالی صلح بنا به دعوت معاون وزیر امور خارجه آن کشور صورت گرفته بود، مقامات ترکمنستان اعلام نموده اند کشور شان آمادگی های لازم را برای میزبانی گروههای افغانی به منظور انجام مذاکرات صلح تحت نظارت سازمان ملل متحد را دارد.

نمایندهٔ ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد در امور کشورهای آسیای مرکزی نیز در هفتهٔ گذشته از برگزاری قریب‌الوقوع کنفرانس بین المللی مسائل افغانستان در عشق آباد خبر داد.

وی تصریح کرد، سازمان ملل از ابتکارات دولت ترکمنستان در مورد میزبانی مذاکرات صلح بین گروه های افغانی در خاک ترکمنستان استقبال می کند.

سفر رئیس شورای عالی صلح در حالی به ترکمنستان صورت می گیرد که از یک سال بدین سو این نهاد سفرهای متعددی را به کشور های منطقه از جمله پاکستان، ترکیه، عربستان سعودی، به منظور تسریع تأمین صلح و امنیت و راه های چانه زنی به منظور گفتگوهای دو جانبه انجام داده است.

ترکمستان از جمله کشورهای همسایهٔ افغانستان است که در قضایای داخلی همواره بی طرفی خود را حفظ نموده و برای تأمین ثبات در کشور تلاش نموده است.

انتظار می رود در صورتی که روند گفتگوها ادامه یابد و مخالفان مسلح راهبرد صلح را به عنوان راه حل و پایان خون ریزی ها در کشور انتخاب نمایند، ترکمنستان آماده است در این راستا طرف های در گیر را یاری نماید.

وحید مژده

کنفرانس سه جانبهٔ کابل


RFERL.ORG (RFE/RL)

ادامه از صفحهٔ اول

ناامنی های این کشور به صورت مستقیم دست دارد. با کشته شدن اسامه در داخل خاک پاکستان، اکنون مقامات افغان این اتهام را با قاطعیت بیشتری مطرح می سازند و می گویند که تمام رهبران طالبان در داخل خاک پاکستان پناه گرفته اند. حرف لودین این بود که افغانستان می خواهد به کمک پاکستان طالبان را تشویق به پیوستن به پروسهٔ صلح نماید که برای رسیدن به این هدف میکانیزمی وجود دارد و شورای عالی صلح هم به میان آمده است.

اما سلمان بشیر معاون وزیر خارجهٔ پاکستان که به عنوان نمایندهٔ پاکستان شرکت داشت گفت که پاکستان به هیچ مخالف حکومت افغانستان در خاک خویش پناه نداده است ما از تروریسم حمایت نمی کنیم و پاکستان در مبارزه علیه تروریسم تاکنون ۳۵ هزار کشته داده است. وی گفت که موقف رسمی و اعلام شدهء ما اینست که پاکستان از پروسهٔ صلح در افغانستان حمایت می کند هرچند به این باور است که این پروسه باید افغانی بوده و توسط افغان ها رهبری شود.

در این نشست بیشتر روی راه های رسیدن به صلح در افغانستان بحث و تبادل نظر صورت گرفت و معاون سفیر ایالات متحدهٔ امریکا در کابل (آنتونی وین) گفت که مشکل افغانستان راه حل نظامی ندارد. وی ضمن حمایت از تلاش های صلح در افغانستان به این نکته نیز تاکید کرد که مخالفین باید قانون اساسی افغانستان را بپذیرند، از خشونت دست بکشند و با القاعده وسایر گروه های تروریستی قطع ارتباط نمایند. این شرط ها را اخیراً بار دیگر رئیس جمهور اوباما تکرار کرده است و نیز در دیدار اوباما از بریتانیا، او با دیوید کامرون صدراعظم انگلستان بار دیگر شرایط صلح با طالبان را بیان داشت و گفت که اگر طالبان این خواست را نپذیرند سرکوب خواهند شد.

این خواست امریکا ناشی از باوری است که این کشور در باب طالبان دارد. به صورت کلی در مورد طالبان دو نظر موجود است:

۱- طالبان یک مجموعهٔ واحد و غیر قابل تجزیه اند. در میان آنان تندرو و میانه رو وجود ندارد. بنابراین مسئلهٔ ادغام مجدد و تلاش در جهت تجزیه در صفوف آنان به منظور تضعیف بی ثمر است.

۲- طالبان یک مجموعهٔ قابل تجزیه اند، یک بخش تندرو اند که تحت رهبری ملامحمد عمر قرار دارند و با القاعده نیز در رابطه اند؛ باید با آنها جنگید. بخش دیگر گروه های میانه رو اند که با آنها می توان مذاکره کرد.

در طول ده سال گذشته طالبان به عنوان یک گروه واحد و غیرقابل تجزیه مطرح بوده اند. در این رابطه است که نقش پاکستان به عنوان کشوری که بر طالبان نفوذ دارد مطرح می شود تا در جهت آوردن طالبان به پشت میز مذاکره همکاری نماید و در این نشست نیز افغانستان روی همین مسئله تاکید نمود.

نشست سه جانبهٔ کابل این سوال را بار دیگر مطرح می سازد که آیا با چنین پیش شرط ها که قبلا طالبان آنرا به شدت رد کرده اند می توان به سوی صلح و تفاهم گام برداشت؟ مقامات امریکایی می گویند که آنها در حال مذاکره با طالبان هستند و تاکنون در آلمان و قطر نشست هایی با آنها داشته اند. طالبان به شدت این ادعا را رد کرده و گفته اند که هدف از اینگونه شایعه پراگنی ها توسط امریکا، تلاش در جهت ایجاد تفرقه در صف طالبان است.

طالبان با نشر اعلامیه ای، هرنوع مذاکره با امریکا را رد کرده و گفته اند که آنها هرگز تقاضای داشتن دفتر در خارج از کشور را ندارند. آنها گفته اند که ما فاقد آدرس نیستیم زیرا نیمی از خاک کشور در دست ماست و سنگر های جهاد علیه تجاوزگران خارجی آدرس ما می باشد.

مجلهٔ اشپیگل چاپ آلمان نوشته است که مذاکراتی با یکی از نمایندگان ملا محمد عمر در جریان است و در این رابطه از طیب آغا نام برده شده است. هرچند طالبان منکر هر نوع مذاکره اند اما به نظر می رسد که این مذاکرات تحت فشار پاکستانی ها در جریان است اما طالبان از نتیجهٔ این مذاکرات و صداقت امریکا زیاد مطمئن نیستند و به همین دلیل آنرا انکار می کنند اما حقیقت اینست که مذاکراتی پشت پرده جریان دارد و طیب آغا مسئول کمیتهٔ سیاسی طالبان در این مذاکرات از این گروه نمایندگی می کند. اما سوال اینست که وقتی گفته می شود این پروسه باید افغانی باشد، چنین مذاکرات که میان طالبان و امریکا جریان دارد، چه تاثیری روی تلاش های شورای عالی صلح خواهد داشت؟

کشته شدن اسامه بن لادن این امید را در میان امریکایی ها به میان آورده است که طالبان شاید دست از خشونت بردارند و به پروسهٔ صلح بپیوندند. جان کیری نیز بعد از بازگشت از سفر به منطقه گفت که کشته شدن اسامه بن لادن اکنون امیدهای صلح را تقویت نموده است.

این خوش باوری ناشی از این پندار است که در گروه هایی چون القاعده و طالبان "کارگزار" ساختار را رهبری می نماید. بنابراین از میان رفتن رهبر می تواند به تغییر ساختار و خطوط قرمزی که قبلا رعایت می شد بیانجامد.

این ادعا نیز بسیار خوش باورانه است؛ تجربه نشان داده که در حرکت های ایدئولوژیک معمولا ساختار ها از قبل مشخص است و افراد چه رهبر و چه رهرو بر بنیاد خطوط مشخص شده در ساختار ها عمل می کنند. به همین دلیل این باور که با تغییر در رهبری یک حرکت ایدئولوژیک، ساختار جدیدی که باور های گذشته را دگرگون سازد به میان آید، صادق نیست.

تا جایی که به طالبان رابطه می گیرد، آنها در اعلامیهٔ شان به مناسبت کشته شدن اسامه از وی تجلیل کرده و گفته اند که کشته شدن او هیچ نفعی به امریکا نخواهد داشت. این سخن می تواند بروشنی نمایانگر این موقف طالبان باشد که آنها مرگ اسامه را روی فعالیت های خود شان در افغانستان تاثیر گذار نمی دانند.

امریکا از این موضع طالبان می تواند این برداشت را داشته باشد که این بی تاثیر بودن، نشانی از بی ارتباط بودن طالبان با القاعده است اما نباید فراموش کرد که ملا محمد عمر رهبر طالبان هنوز هم به عنوان یک تروریست تحت تعقیب بوده و نامش در لست سیاه سازمان ملل متحد و امریکا قرار دارد.

پس می توان نتیجه گرفت که نشست کابل شاید کمی به نزدیک تر شدن مواضع پاکستان و افغانستان کمک کرده باشد اما نمی توان از آن انتظار یک تغییر عمده را در کوتاه مدت داشت.

مباحثی پیرامون ادیان شناسی تطبیقی

سیری در ادیان رایج جهان

(سید احمد اشرفی)

داستان زندگی بودا

یک شرح حال **واقعی مبتنی بر روایات معتبر تاریخی** از زندگانی بودا، وجود **ندارد و آنچه دربارهٔ وی گفته و نوشته** شده بیشتر اسطوره یی است تا تاریخی. خلاصهٔ **داستان زندگی** بودا براساس روایات و اساطیر بودایی ازاین قرار است:

بودا در سال ۵۶۰ پیش از میلاد در شهر کپیلاوستو در مرز میان هندوستان و نیپال امروز در یک خانوادهٔ هندو به دنیا آمد، پدرش **سوداتا** نام داشت و پادشاه قبیلهٔ شاکیا و از طبقهٔ کشاتریا بود. مادرش **مایا** نام داشت و از خاندان امیران شهر کولیا، در همسایگی کپیلاوستو بود. مدت بیست سال از ازدواج آنان گذشته ولی صاحب فرزند نشدند. اما یک شب ملکه مایا در خواب دید که فیل سفیدی از جانب سینهٔ راستش وارد رحمش گردید و بعد از آن بار دار شد. پادشاه و رعیت همه در انتظار تولد شهزاده لحظه شماری می کردند، تا آنکه مایا در یکی از روزهای بهاری بنابر سنت موجود برای تولد فرزند خویش روانهٔ خانهٔ پدر شد و دراثنای راه در مزرعه ای در پرتو جان نواز خورشید برای رفع خستگی دراز کشید، دراین هنگام دست خود را دراز کرد تاشکوفهٔ گلی را بگیرد که ناگهان شهزاده متولد شد، و خوشحالی و **فرحت همه جا را فرا گرفت.** نوزاد را **سیدارتا** یعنی برآورندهٔ **همهٔ آرزوها نام نهادند، و** براساس نام خانوادگی اش گوتاما نیز **خوانده شد.**

منجمان درپیشانی این مولود **جدید نشانه های بزرگی و** نبوغ خواندند، و پیش بینی کردند که اگر در قصر بماند و مطابق به فرهنگ دربار پادشاهی تربیت شود، پادشاه عظیم و کشور کشایی بزرگ خواهد شد، اما اگر به زندگانی دینی روی آورد، زاهد بزرگ و مرتاض بی نظیر خواهد گشت. زندگی مرفه و شاهی را خواهد گذاشت، و سر به دشت و بیابان خواهد نهاد. پدرش که تنها یک پسر داشت و آرزومند بود که وی پس از مرگش وارث ملک و پادشاهی اش گردد، از سرنوشت آیندهٔ فرزندش بسیار نگران بود. لذا کاخ های پرشکوه و باغ های رنگارنگ برای او احداث کرد، و زیبا ترین دختران و رقاصان و ماهرترین هنرمندان دنیا را در خدمتش گماشت، تا در لذایذ دنیا غرق شود و به زندگی مرفه و آسوده و آرام خو بگیرد و هرگز در فکر حیات زاهدانه نیفتد. دختر مامایش امیره **یا شودا** را که یکی از زیبا ترین دختران هند بود به عقد نکاح در آورد. اما سیدارتا که از آغاز آثار پریشانی در خود داشت، از زندگی شاهانه و آرام لذت نمی برد و اکثر اوقات تنهایی و انزوا اختیار می کرد، از مادیات بیزار بود، و خود را در دنیا اسیر و بندی می پنداشت.

سیدارتا درسن بیست و نه سالگی دارای فرزندی شد، و او را **رهولا** یعنی زنجیر نام گذاشت. چند روز از تولد فرزندش نگذشته بود که تصادفا از قصر بیرون رفت و دراثنای گردش در شهر چشمش به مردی شکسته، و بیماری درمانده و جسد مردهٔ رنگ پریده ای افتاد. با دیدن این منظره ها به شدت غمگین شد و زندگی در نظرش یکسره تلخ گردید. شب که به خانه برگشت فرزندش و همسرش در بستری از حریر به خواب رفته بودند، اما بودا را خواب نیامد و باتأمل غم انگیز به خود گفت، جوانی ای که عاقبتش پیری و صحتی که انجامش مریضی و زندگی که پایانش مرگ باشد، چه ارزشی می تواند داشته باشد؟ من باید معنی زندگی را کشف کنم، و عواملی را که باعث رنج آدمی می شود دریابم و راه حقیقی رهایی از رنج را پیدا کنم و خود را به نیرونا برسانم. اما این زندگی مرفه و دراین قصر مجلل ممکن نیست به درک این راز بزرگ نایل آیم. لذا تصمیم گرفت که باید این زندگی پر غم و بیهوده را رها کند و درپی دریافت حقیقت شود.آرام از خانه بیرون رفت، و در نیمهٔ شب را جنگل و بیابان در پیش گرفت.هنگامی که به قعر جنگل های بکر و پهناور هندوستان فرو رفت، اسپش را رها کرد، گیسوانش را برچید و لباس های فاخر امیرانه را از تن بیرون نمود و به خاطر رسیدن به حقیقت و نیروانا سفر درازی را درپیش گرفت.

ادامه در شمارهٔ آینده

حدیث آزادی روح از زبان پیشروان سخن

باز سخن از استغنا است.
ما، در مباحث گذشته در این باب با استفاده از منابع مختلف، ازجمله سخنان و آموزه های میرزا عبدالقادر بیدل، نمونه های زیادی ارائه داشتیم. اکنون فرصت آن فرا رسیده تا توضیح دهیم: چرا این سخنور اندیشه ور، راجع به بعضی از مسایل ازجمله استغنا(۱)- که مرادف است با علوهمت، نکوهش طمع و ناپسندی گدایی- که بار آور ذلت وخواری است- تاکید جدی دارد؟
پاسخ روشن است و آن اینکه:
انسان این شهباز سدره نیشن، از مقام والا و جایگاه رفیعی بر خوردار است.
موجودی که ابن عربی در موردش اعتقاد دارد: " هرچه از اسماء وصفات، در صورت الهیت بود، در نشات انسان ظاهر شد وکمال ها در وجود او به فعل در آمدند، پس انسان « آگاهی بر اسماء » یافت و به « منزلت جمعیت » رسید؛ به سبب در یافت این آگاهی و نیل به جمعیت، خلیفه حق بر زمین شد و ظهورش بر ملائکه حجت گشت.»
سخنان بیدل نمایشگر جلوه هایی از ذهن جوال اوست "که با دستکاری، زاده های ذهن انسانی را با جاذبه های مختلف می آراید و شایستگی می بخشد تا انرژ ی فکری خواننده را به انرژ ی حرکتی که حاصل خود آگاهی است، تبدیل کند."
بیدل ضمن اینکه مجدانه طرفدار حفظ آبرو و حیثیت سایل وبیچاره، است. در عین حال هشدارمی دهد که مبادا احسان و اعطای کمک، به وسیلهٔ غنی یا ثروتمند توأم با منت گذاری و خود نمایی باشد. زیرا او باچنین کمک به ادای مسؤولیت می پردازد، وظیفه اخلاقی و اجتماعی و اسلامی انجام می دهد و با دستگیری صادقانه از فقرا و پرداختن به وجیبهٔ زکات در جستجوی دریافت رحمت و بخشش خدایی می شود؛ ذات کریمی که فرموده:

« و اگر عفو کنید و در گذرید و ببخشید همانا خداوند بخشنده و مهربان است»

بناءً به مصداق:

"آدمیت رحم بر بیچارگان آوردن است"

جوینده رحمت خدا و دهنده زکات و صدقه، ارشاد پیامبر عظیم الشان را آویزهٔ گوش می کند،که می فرماید:

« به آنها که در زمین اند،رحم کن، تا آنکه بر آسمان است بر تو رحم کند.»

از همین روست که به گفته « محمد حجازی»
« غمی که به خاطر دیگران باشد، لذت دارد.»
انسان - که به عنوان اشرف مخلوقات خوانده شده - علاوه از برخورداری از جسم و روح، دارای عقل و قلب و عواطف و جوارح نیز می باشد.
دست یابی او به رشد و تعالی او به صورت موزون و هماهنگ میسر نیست، بلکه زمانی به این نعمت دست می یابد که نیروهای یادشده فوق به رشد در خور خود شان نایل آیند و « زمانی تمدنی صالح ممکن خواهد بود» که به خلق میحطی، دینی، اخلاقی، عقلی و جسمانی توفیق حاصل آید. به گونه ای که « انسان به سهولت تمام بتواند به کمال انسانی خویش برسد» ،باید از مقام خویش واقف گردد و خویش را بشناسد. هرگاه انسان به منزلت خویش پی برد و یا به قول مولانا:

نقد حال خویش را گر پی گرفت

نتیجه آن می شود که:

هم زدنیا هم زعقبی برخورد

با تعمق در مثنوی مولانا در می یابیم که بنا براین در مثنوی نیز آنچه بیش از همه به چشم می خورد، دعوت به خود شناسی است. پس به قول پروانهٔ نیک طبع، انسان در دوران خویش منشاء دانش ورای منطق وحس دارد که دست یابی به آن از طریق تفکر ممکن نیست و تنها از طریق صافی کردن دل از هرچه جز خداست میسر می شود.

چشم آدم چون به نور پاک دید
جان و سیر نامها گشتن پدید

میرزا عبدالقادربیدل نیزبه گونه مولانا می خواهد دعوت خویش را همواره بر اساس زدایش حجاب های ظلمانی و نفسانی و گرایش به رذایل از چهرهٔ دل استوار سازد و آئینه قلب ازجلا و صیقل در خور بهره مند شود تا بدین وسیله به درون شهر روشنایی برسد.
این سخنورنامور، مولانا سان از همراهان سست عناصر،طماع، جاه طلب، مغرور و... دلگیر و گریزان است واز دیو و ددی که ظاهرش آراسته با سیمای آدمی است، آدمی که متمایل به سفاهت و دنائت است وحیوانیت ...،ملول می باشد، بلکه او در جستجوی انسانی می باشد که جوهر پرداز همت را به خاک نمی افگند؛ چنانچه می گوید:

به خاک از لهومفگن جوهر پردازهمت را
کبوتر مایل پستی است هرگه سرکند بازی

او همینطور به عنوان یک دعوتگر مصلح می خواهد حالی بسازد که انسان نباید زندگی چهار روزه دنیا را در پناه ذلت و خواری وپستی سپری کند.هرگاه مشکلات دامنگیر او شود، در برابر آن استقامت ورزد؛ چون (**معراج سعی مرد همین استقامت است**) این خواسته ، برخاسته از دساتیر ارزشناک قرآن و حدیث پیامبر گرامی و بزرگان دین و ارزش آفرینان است.
صبرو استقامت در برابر مشکلات و « عوامل مخل و مفسد محیط و آثار زیانبار آنها» به مفهوم دستیابی به آزادی و رهیدگی ازبند های سنگین «اصرار و اغلال» است. برای توضیح باید افزود که: اصرارجمع اصر، به معنی اشارت ومشقت و زنجیراست. چنانچه راغب درمفردات "اصر" را به گره زدن وحبس کردن وقهر معنی کرده است. گفته می شود" اصرته فهوما صور"یعنی زندانی کردم اورا واو فعلاً زندانی است .
واما " اغلال"جمع " غل" است وبه معنی طوق وبندی است که به دست وپای اشخاص می اندازند."
با توجه به آنچه گفته آمدیم ، آنکه شکیبایی بر گزیند، می تواند به لوازم تقرب یا نزدیکی به خدا نایل گردد.
«صبر رویهٔ بر خورد مردم دیندار در هنگام مصایب، حوادث ناگهانی و ناگوار وعوامل مضر و مفسد محیط و هنگامهٔ جنگ و در گیری با مستکبران و دنیا داران زور گو و غارت گر و اسارت آور است.»
استاد جلال الدین فارسی براین باوراست:
« دنیا دار که محرک اصلیش آز {=حرص} است، جاندوست، نازک رنجی و مرفهی بی درد می شود و این علاوه بر بخل، بی خیری، و پول پرستی اوست .علاقه به پول ثروتمندان صابران به عکس در بیعت با خدا از جان و مال شان می گذرند تا به کمالات و به قرب حق نایل آیند. " زیرا می دانند که مالک اصلی مال و همه چیز تنها خداوند است و آنها صرفاً نماینده خدا در آن ثروت و دارایی هستند واز آنان خواسته شده تا مال و دارایی شان را در راه خدا بذل کنند و متیقن باشند حقوق و مزایای هر چه را که در راه خدا انفاق نمایند، به آنان باز گردانده می شود.
دنیا داران، اسیر کشمکش های زندگی هستند. تشویش و نگرانی و اضطراب دمی ایشان را به تخت آرامش بر نمی نشاند. یقیناً مشکلاتی که ارباب زر دارند، فقرا ندارند و اینها یعنی تهیدستان از بند غم آزادند.
همینطورتزلزلی که دربین کاخ نشین هاست، دربین کوخ نشینان نیست وآرامشی که طبقه محروم دارند، آن طبقه ای که به خیال خود شان درآن بالا می زیند، ندارند.

عمریست که در ادبکدهٔ بوریای فقر
آسوده تر ز نگهت گلهای قالی ام

یکی ازحکمت های الهی در این است که همه انسان را یکسان نیافریده ، بلکه تفاوت های زندگی بین انسانها وجود دارد. اما برای مشکل، سهولتی را بازنماینده،چیزی یا کسی را وسیله ای برای رفع نارسایی و مشکلات قرار داده، بنا براین باید گفت که:
صدقه دادن و دستگیری از مستمندان و نیازمندان موجب رفع تشویش و مشکلات دهندگان می شود.در نزد انسانی بر خوردار از احساس است نسیم گوارای عاطفه به باغ ضمیرش می وزد، به گفته مادام وولیر»: دیدن خندهٔ آنهایی که رنج می کشند، از دیدن اشک آنها درد ناکتر است.»
بیدل می گوید:

سفیه انگارمنعم را که سایل بردرجودش
ندارد بار تا گرد مذلت بر نمی دارد!

اما دستور پیامبر بزرگوار در این مورد چیست؟ توجه کنیم :

« بذل کن آنچه را که در نزد تو است تا خداوند بر تو رزق را کم نکند.» (بخاری و مسلم)
و در حدیث دیگر امده است: **«صدقه و خیرات دادن بنده را از مرگ و مردن رنج آور نگاه می دارد.» (طبرانی)**
باذکر احادیث فوق، لازم است تا به یک نکته نیز اشاره کنیم و آن اینکه: یکی از عوامل و انگیزه های بارش توفان اضطراب بر تارک زندگی انسانی و هجوم مشکلات به گونه ای که « الفرد آدلر» معتقد است، اینست که انسانها نمی خواهند به ابنای نوع خود علاقه پیدا کنند...»
"بنثام" نیز به این باور بود که: هر چه انسان از سرمایه نشاط و خوشبختی خود به دیگران سهم برساند، بر میزان اصلی آن می افزاید. زیرا مهربانی مولد مهربانی است.»
مولانا نیزبه این باوربود:

ازمحبت تلخ ها شیرین شود
ازمحبت مس ها زرین شود
ازمحبت سقم صحت می شود
ازمحبت قهررحمت می شود
ازمحبت مرده زنده می شود
ازمحبت شاه بنده می شود.

نکاتی را که ارائه داشتیم بیشتر در باب استغنا بود. برای توضیح باید گفت که، دادن کمک برای آنانی ضرور است، که فقیرباشد به مشکل کارکردن و معیوب و معلول بودن گرفتار نباشد؛ یعنی گدایی و دریوزه گری را وسیله جمع کردن مال قرار ندهد. از همین روست که اسلام بار بار وبا لحن جدی، انسان را برای کار کردن و یافتن لقمه ای نان با آبله دست امرمی کند. و در مقابل، برای غنی هدایت اکید صادرمی کند تا ازدادن زکات، به عنوان یک فریضه دینی ، دریغ نورزد؛ در غیر آن خیری از دارایی خود نمی بیند.
اگر انسان معتقد به خدا وقرآن، دادن صدقه را بخشی از وظیفه و فرایض دینی خود دانست خداوند به مالش برکت می اندازد و به رغم پندار پوچ یکعده ضعیف الایمان ها با اعطای زکات و صدقه به برکات و فیوضاتی دست می یابد و این یک واقعیت مسلم است ووعده ای است از جانب پیامبر بزرگوار که می فرماید:

"هیچ صدقه ای مال را نمی کاهد.»

دادن زکات مفهوم شکر نعمت را نیز می رساند؛ به قول شاعر :

شکر نعمت نعمتت افزون کند
کفر نعمت از کفت بیرون کند

در حدیث مبارکی می خوانیم:

پنهان دادن صدقه انسان را ازغضب خداوند محفوظ می دارد.»(طبرانی و عسکری)

ببینید که اسلام برای حفظ شخصیت و کیان انسان، ولو ازلحاظ موقف اجتماعی در پائین ترین سطح قرار داشته باشد، چقدر اهمیت می دهد؟ به این معنی : علنی دادن صدقه برای تهیدستان و مستحقان موجب جلوگیری از تظاهر وخود نمایی امدادگر می شود، تا نگویندش فلان شخص باذل و سخاوتمند است و از غربا دستگیری می کندو ...!
از جانب دیگر، عزت نفس گیرنده نیز محفوظ می ماند، یعنی در این صورت جزخدا ودهنده و گیرنده، آگاهی حاصل نمی کند که شخص محتاج، دست طلب به سوی ثروتمند دراز کرده، یانه؟
بیدل در مورد یک نکته دیگر نیز اشارهٔ ظریفی دارد و آن اینکه: در جامعه، محتاجان زیادی هستند که جرئت سوالگری ندارند. بیت زیر اشاره به همین نکته دارد:

عرق ذخیره نماید به بارگاه کریمان
زبان جرئت اظهار سایلی که ندارد

و یا :

نیست غیر از شرم حاجت ابر گلزار کرم
می کند سایل عرق تا دست سایل بشکفد

ازهمین روست که درجای دیگربه گونه اندرز، خطاب به ارباب زرمی گوید:

تا توانی پاس آب روی سایل داشتن
خود فروشی های احسان به که ننمایی به کس

دانشمند والا مقام استاد ابوالحسن ندوی می گوید:
بعثت پیامبران گذشته یکجانبه بوده،ولی بعثت پیامبر بزرگوار، دوجانبه بوده است:
بعثت پیامبر به سوی امت های دیگر،

۲ - بعثت امت به سوی امت های دیگر!
استاد برای ارائه دلیل به آیهٔ مبارکه آل عمران: ۱۱۵ استناد می فرماید:

"شما (ای پیروان محمد) بهترین امتی هستید که برای انسان ها آفریده شده اید [مادام که] امر به معروف ونهی از منکر می نمایید و به خدا ایمان دارید."

سپس می افزاید:
این امتی است که در آورده شده از قبل، برنامه ریزی شده باهدف، هرگز وجودش تصادفی نبوده و نهضت و خروجش به هیچ وجه یک رخداد تاریخی محض نبوده است. بلکه برنامه ریزی شده وتقدیری است الهی.
با توجه به آنچه اشاره شد، باید افزود که، شعرای متعهد و مؤمن از جمله ابوالمعانی بیدل و مولانا جلال الدین بلخی به عنوان شاگردان مکتب خدا همواره تلاش می ورزند تا دمی از ادای مسؤولیت های بزرگ و مهم شان غافل نباشند، بلکه از رسالت بزرگی که به دوش شان گذاشته شده آگاه هستند باعشق تمام در راه انجام آن جان بر افشانند. (استاد ندوی دراین مورد می گوید:
"چون مسلمانان مبعوث هستند، و امت، امتی است فرستاده شده جهت ارشاد و هدایت بشر و هدف از بعثتش رهبری جهان به سوی خیر است، پس طفره رفتن مسلمانان از مسؤولیت شان، به مسؤولیت مهم و بزرگی که از طرف خداوند به آنها ارزانی داشته شده است، فاجعه ای است بزرگ، و تراژیدی ای است جهانی که بامقیاس های ساختگی هرگز قابل درک نیست.»
درفرجام این نوشته با توجه با نکاتی که ارائه گردید، لازم است تا متاکد گردیم که :
امربه معروف ونهی ازمنکر، تحلیل حلایل، تحریم خبائث، وبرداشتن تکالیف شاقه از دوش همنوع تلاش در راه تحکیم بنای شکوهمند آزادی روان- که استغناجزء آن است-و ازمختصات اسلام، باید توجه جدی مبذول داشت ودرخط آن مخلصانه گام گذاشت. شمع آنها را همواره فزوران نگه داشت.

---

(۱) استغنا: توانگری و بی نیازی خواستن ، بی نیاز شدن " بی نیاز توانگری. (فرهنگ عمید)

جریان اصلاح طلبی در کشورهای عرب خاورمیانه

پروژهٔ عربی سازی در قرن بیستم ۵

استاد عبدالعلی کوهی

تا آغاز قرن بیستم در خاورمیانه تعداد زیادی مجذوب ایده ها و اسلوب زندگی غرب گردیده بودند، نهادهای غربی هواخواهان بسیاری در جهان عرب پیدا کردند. در سراسر بخش عمدهٔ این قرن، انبوهی از روشنفکران مسلمان، فعالانه مشغول کاربرد مقیاس های اروپایی در برخورد، با مسایل اجتماعی بوده و هوادار ایده های غربی بودند، یا در برخی موارد به طور آشکارا به غربی سازی کامل، جهان عرب را فرا می خواند.

در میان برجسته ترین هواداران غربی سازی و یکی از نخستین نویسندگانی که به مدل تاریخی اسلامی حمله ور گردید، طه حسین نویسندهٔ مصری و احتمالا با نفوذ ترین داستان نویس و منتقد ادبی در جهان عرب در قرن بیستم بود. طه حسین پنج سال را در فرانسه سپری کرد و به درجهٔ دکتورا در جامعهٔ شناسی نایل گردید. حسین شخصیت جنجالی دنیای عرب بود، او وقتی در سال ۱۹۲۶م کتاب جنجالی خود: فی الشعر الجاهلی " در بارهٔ شعر جاهلی" را انتشار داد؛ نه تنها جامعهٔ مصر بلکه جامعهٔ عرب را به غوغا واداشت. مجادلهٔ عمدهٔ حسین در این کتاب، ماهیت حقیقی ماقبل اسلامی را برای خواننده نشان می دهد. به قول حسین، شعر ماقبل اسلامی توسط شاعران مسلمان ساخته شده بود، ولی به دروغ به شاعران ماقبل اسلامی نسبت آن داده شد.

حسین استدلال می کرد که حیات عصرهای ماقبل اسلامی تاریخ عرب، در قرآنکریم بهتر منعکس گردیده؛ لذا باید حیات عرب جاهلی را در قرآنکریم جستجو کرد، نه در شعر جاهلی؛ در حالی که شعر ماقبل اسلامی در معرض شک و تردید های بسیاری قرار دارد؛ اما اصالت قرآنکریم ورای هرگونه شائبه یی از شک و تردید می باشد.

قرآنکریم تصویری به ما نشان می دهد که در آن اعراب دوره جاهلیت به عنوان مردمی دارای تب و هیجان مذهبی ترسیم شده اند، که با شدت و حدت در برابر اسلام مقاومت می کند؛ اما شاعران ماقبل اسلامی تصویر کاملا متفاوت به ما ارائه می دهند که در آن مذهب نسبت به سایر اهداف و ملاحظات این جهانی، در رده های آخیر قرار دارد.

در نوشته های طه حسین یکنوع تصادم میان سنت و هواداران مدرنیته تا حد انفجار نشان داده می شود. حسین طرف داری اصول جدید تحقیق علمی بوده و از روش های ارتدوکس تحقیق مبتنی بر تفکر سنتی احتراز می ورزید و تحقیق یک چنانی را مورد نکوهش قرار می داد. او بحث خود را با تمییز قایل شدن میان دو روش، یا رهیافت سنتی و مدرن آغاز می کند. به عقیدهٔ وی سنتگرایان با شیوهٔ که پیش گرفته اند، در را به روی هر گونه تلاش درجهت تفسیر خلاق یا بدیع " اجتهاد" بسته اند و در پی آن پا روی پای فقها و متکلمین سنتی گذاشته و از آن ها پیروی می کند. از طرف دیگر به ادعای طه حسین روش نو گرایان ، بر رهیافتی کاملا متفاوت بنا شده است. نو گرایان از بی قراری، تغییر و تحول خشنود می شوند و از فکر و ذهنی که خداوند به آن ها داده است، بر تحولات مثبت در جامعه می اندیشند.

به عقیده حسین روش اتخاذی نوگرایان پیامد عظیمی در خود دارند؛ چون منجر به چیزی کمتر از تغییر و دیگرگونی نمی شود. افزون بر آن در این روش که مردم آن را تاریخ می نامند منجر می گردد، این رهیافت کسانی را که به شک کردن در چیز هایی که قبلا هرگز مجاز شک کردن در آن ها وجود نداشت، می کشاند.

روش جدیدی که حسین پیشنهاد می کند انتقاد محوری است که توسط دکارت در قرن شانزدهم معرفی و ارئه شده بود. اندیشه های حسین نه تنها طرفداران زیاد پیدا نمود؛ بلکه مخالفان قوی را در برابر خود سبز کرد، طوری که الرافعی نویسندهٔ پرنفوذ آن وقت را عصبی ساخت و حسین را، سخنگوی یک فرهنگ بیگانه خواند. میان حامیان اصالت و هواداران مدرنیته برخوردهای زیادی را به وجود آورد.

طوری که در برابر سخنان او، طرفداران



سنت اصرار می ورزیدند که تمدن غربی ذهن و فکر بشر را آزاد کرد و مجال نوآوری و ابتکار را به آن ها داد؛ اما همراه با این آزاد اندیشی این تمدن جدید، اشتهای بشر در بهره مندی از حرص، آز و نزول ارزش های اخلاقی را به وجود آورد و لگام گسیختگی اخلاقی را موجب گردید که جامعهٔ اروپا قبلا به آن مواجه نگردیده بود. الرافعی تمدن غرب را یکنوع انحطاط فرهنگی می خواند که باید غرب خود را از آن نجات دهد. طه حسین در کتاب دیگرش به موضوع توسعه و تفسیر فرهنگی پرداخت و در پاسخ به سخنان مخالفان خود اصرار می ورزید که جامعهٔ اسلامی هرگز بدون عیب و کاستی هایی در گذشته نبوده و نیست. او نوشت: " ما باید به کسانی که، با وجود صادق و خوب بودن، با فرهنگ غربی مخالفت می کنند، یاد آور می شویم که زندگی اروپایی، کاملا گنهکار نیست؛ زیرا زندگی کاملا گنهکارانه به ترقی و پیشرفت منتهی نمی شود و .... حیات کنونی و گذشته ما نیز کاملا خوب نیست.... چون خوبی محض به انحطاط منتهی نمی گردد".

دعوت طه حسین به غربی سازی جامعه عرب با حفظ هویت ملی، این جامعه همراه بود او اصرار می نمود که جامعهٔ غرب باید در توان نظامی با اروپا برابری داشته باشد، تا قادر به دفاع از خود باشد. آرزوی یک ارتش قوی، مانند اروپا نیازمند، یک فرهنگ نظامی آموزشی اروپایی برای جوانان است که این ارتش را به وجود آورده است.

ظهور ناسیونالیسم عربی:

همه روشنفکران عرب با طه حسین در این امر موافق نیستند که نوسازی فرهنگ عربی از طریق غربی سازی رادیکال قابل حصول باشد. در نیمهٔ قرن بیستم تعداد زیادی از روشنفکران عرب به محور ناسیونالیسم عربی گره خوردند. اکثریت روشنفکران عرب در این مورد توافق داشتند که دنیای عرب به اصلاح و نوسازی نیاز دارد، باید وام گیری از غرب منجر به تغییر هویت ملی آن ها نگردد. اساس گذار ناسیونالیسم عرب ساتع الحصری، موسوم به پدر ناسیونالیسم عرب و میشل عفلق بنیانگذار با نفوذ ترین حزب سیاسی در دنیای عرب؛ یعنی حزب بعث عربی می باشد. الحصری بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی، ناسیونالیسم عربی را مطرح کرد. به عقیدهٔ او این ناسیونالیسم پیشنهادی وی می تواند امید بازگشت به وحدت مناطق تجزیه شده عرب را به وجود آورد.

عفلق که از سال ۱۹۴۳–۱۹۶۵م دبیر کل حزب بعث در سوریه بود و شاخه های این حزب در عراق و سایر مناطق عرب وجود داشت و از اتحاد عرب در زیر این چتر حمایت می نمودند. رهبران این حزب ناسیونالیسم عرب را تغذیه کنندهٔ تفکر عربی می دانستند. عفلق به جریان اصلاح طلبی در داخل جامعهٔ عرب تاکید می ورزید، رهایی از استیلاء خارجی و اروپایی را شرط ترقی و پیشرفت می دانست، او تاکید می کرد تا زمانی که سرزمین های عربی تحت کنترول اروپائیان باشد، نه ترقی اجتماعی و نه وحدت عربی وجود دارد. او نگرش مارکسیستی سوسیالیسم را رد می کرد و استدلال می نمود که مارکسیسم ثمره تراوش اندیشه غربی است و در پاسخ به ناسیونالیسم تعصب آمیز و شرایط غرب و وضعیت متورم آن ظهور کرد. او سوسیالیسم به شیوهٔ غربی را رد کرد و آن را مخالف ارزش های اخلاقی و دینی جامعهٔ عرب خواند. عفلق بر ارزش های اسلامی و اخلاقی تاکید می کرد و می گفت: اعراب و مسلمانان وقتی در جستجوی آسمان بودند، توانستند بر زمین فرمان برانند؛ اما وقتی این بلند نظری را از دست دادند، هم زمین و هم آسمان را از دست دادند، اعراب امروز تا زمانی که معتقد به ابدیت و جاویدانگی نگردند، نمی توانند دوباره ادعای فرماندهی بر حیات شان داشته باشند، آن ها تا زمانی که دوباره به خاطر رسیدن به بهشت برین و جامعهٔ آبرومند معتقد نگردند، قادر نخواهند بود مجددا مدعی سرزمین های شان گردند.

سستیم کیونیستی از این نقطه نظر عفلق مردود بود که ناسیونالیسم را از بین می برد و همه چیز را دنیایی می ساخت. رهبران این حزب به نیار وحدت و همبستگی اعراب شعار می دادند؛ زیرا تهدیدهای آن ها را از بیرون نشانه گرفته است. این حزب هر نوع حرکت از بیرون را مشروط به اصلاح و تعدیل آن می دانست، تا متناسب با شرایط اعراب گردد. عفلق ادعا می کرد که جنبش بعث عربی نوسازی را از اسلام به ارث برده است این جنبش با اتکاء به فضیلت و ایمان و دوری از منافع شخصی و وسوسه های زمینی فعالیت می نماید. به نظر بعث ها تنها با ایمان و اعتقاد به ناسیونالیسم عربی و وحدت اعراب می توان عدالت اجتماعی، برابری و مساوات را در میان شهروندان به وجود آورد و آزادی همه اعراب را تضمین کرد. این ناسیونالیسم عربی در تضاد با آزادی قرار نمی گیرد؛ بلکه خود آزادی می باشد. پیامد های دردناک، تفرقه، عقب ماندگی اجتماعی، شرایط اجتماعی و اقتصادی ما را ناگزیر می سازد تا وحدت سیاسی را در میان اعراب به وجود آوریم.

از نظر روشنفکران عربگرا در قرن بیستم وحدت اعراب نخستین گام به سوی بنای جامعهٔ پیشرفته تر و پایدار تر می باشد. این روشنفکران به این باور بودند که وحدت سیاسی، علیرغم تفاوت های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که در میان اعراب مناطق مختلف وجود دارد می توان، در صورت یک اتحاد سراسری بر این مشکلات فایق آمد. به نظر این روشنفکران، اگر آلمانی ها و ایتالیایی ها، توانستند یک ملت بسازند اعراب هم می توانند همان کار را انجام دهند. با وجود این همه تلاش ها جامعه عرب خاورمیانه هیچگاه نتوانستند، از یک انسجام و وحدت نظر در جهت نجات این جامعه از عقب ماندگی های سیاسی و اقتصادی گام های بلند بردارند. جامعه خاورمیانه قادر نگردید تا در جهت نظام سازی و نوسازی های فرهنگی تا ختم قرن بیست از خود ابتکار نشان دهند، تا اینکه این جوامع آبستن یک تغییر مهم در جهت اصلاح طلبی گردید و جرقه های اصلاح طلبی و حیات سیاسی نوین تمامی کشور های عرب از شاخ افریقا، تا صحرای لیبیا، سوریه و شیخ نشین های عمان، اردن، بحرین را فرا گرفت و محافظه کار ترین کشور خاورمیانه؛ یعنی عربستان سعودی نیز تکانه هایی را احساس می کند که هر لحظه خطر مخالفت در این کشورهای محافظه کار، التهاب های سیاسی را به وجود خواهد آورد.

ادامه از صفحهٔ اول

روی اوضاع امنیتی ره به جای نبرد و جلسهٔ علنی مجلس نمایندگان با مقامات امنیتی بدون سوال و جواب بی نتیجه پایان یافت.

رئیس مجلس نمایندگان اعلام نمود، رئیس جمهور به وزیر دفاع دستور داده است که، جلسهٔ مهمتر با مقامات امریکایی از جمله معین وزارت خارجهٔ آن کشور و جنرال پتریوس دارد که باید به آن جا برود.

نمایندگان در واکنش به این موضوع تصریح کرده اند که وقتی وزیر دفاع درجلسهٔ مهمتر از این جلسه می رود، باید وزیر داخله و سرپرست امنیت ملی نیز رخصت شوند، تا در روزهای بعدی به جلسهٔ عمومی تشریف بیاورند.

عبدالحفیظ منصور نمایندهٔ مردم در مجلس نمایندگان می گوید: دستور رئیس جمهور مبنی بر ترک جلسه از سوی وزیر دفاع و گزارش دهی با خارجی ها نوعی توهین به نمایندگان مردم است. وی گفت: گزارش دادن مقامات از اوضاع امنیتی در جلسهٔ استجوابیهٔ مجلس نمایندگان با اهمیت تر بود، نسبت به گزارش دادن به چند مقام خارجی!

قرار است مقامات امنیتی بار دیگر امروز شنبه ۷ جوزا به مجلس نمایندگان حاضر شوند و از اوضاع بحرانی شاخص امنیت به نمایندگان گزارش بدهند.

میلیتاریستی برای تأمین امنیت در سراسر کشور دشمنان شکست خورده افغانستان را نه تنها مضمحل نساخت، بلکه با گذشت هر روز آنان را برای برگشت به صحنه های نبرد تشویق نمود. اکنون که گفته می شود مرگ اسامه نقطهٔ عطف در جنگ با تروریزم است، نگاه های نو و تازه را در این باب نسبت به هم پیمانان این جنگ گشوده است. توقع می رود با هماهنگی تلاش های چند بعدی، از ادامهٔ بازی های استخباراتی برای پنهان کردن اهداف سودجویانه و راهبردی برخی از کشورها و حلقات جلوگیری صورت گیرد.

تشویق مخالفان با پیوستن به برنامهٔ صلح که از سوی حکومت افغانستان حمایت می شود، یکی از راه های حل قضیه در افغانستان است. در پهلوی آن، افشای هویت های کاذب در جنگ و فشار بالای آنان، می تواند بازگشت طالبان را بر محور صلح سرعت بخشد.

گفتمان صلح که از یک سال به این سو ادامه دارد، تنها ابزاری برای تأمین عدالت در کشور نیست، زیرا هستند حلقاتی که نفع شان را در جنگ می بینند و همواره از جنگجویان حمایت می کنند.

ترک مجلس از سوی وزیر دفاع، توهین به نمایندگان ملت است

عنایت

اوضاع امنیتی در کشور در حالی وخیم تر شده است، منطقه ای که ما در آن زندگی می کنیم شاهد آبستن خیلی از حوادث است.

سفرهای مقامات غربی و بازیگران منطقه ای از یک جا به جای دیگر، مرگ اسامه بن لادن، شایعات تأیید ناشده از ناپدید شدن ویا هم مرگ ملا عمر رهبر طالبان، بی تأثیر در رابطه به موضوع جنگ و صلح در منطقه نیست.

کار شناسان می گویند: افزایش حملات در روز های اخیر از سوی القاعده در افغانستان و پاکستان حرکت های تلافی جویانه در رابطه به کشته شدن مغز متفکر آنان است. انتقام گیری از خارجی ها و کسانی که با آنان در جنگ علیه تروریزم همکاری دارند، جزء اهدافی است که گروه های دهشت افگن در پی ادامهٔ آن اند. برای گروه های جنگی ضربه زدن به جغرافیای معین و افراد دست اول از اولویت های زیادی برخور دار می باشد، اما این که توانایی ضربه زدن در برخی موارد به افراد کلیدی محتمل است، سعی دارند که چگونه و در کجا بیشتر خون ریزی نمایند؟!.

هرچند این گونه خشونت ها شتاب زده به نظر می رسد و در نهایت توان ادامهٔ آن را مخالفان مسلح ندارد، اما وقتی دشمن توانایی ضربه زدن را در درون مراکز نظامی و مناطق حساس حکومتی دارد، پرسش های متعددی را بر می انگیزد. پرسش هایی که باید مسؤولان امنیتی برای نمایندگان مردم امروز و فردا توضیح بدهند.

چالش های امنیتی دغدغه هایی اند که طی ده سال گذشته دامن مردم افغانستان و جامعه جهانی را گرفته است. تلاش های ده ساله با تکیه بر سیاست های

تقویت نیروهای امنیتی به منظور دفاع عادلانه از تمامیت ارضی و استقلال کشور در برابر دشمن ابزاری دیگری باشد که در صورت لزوم باید از آن بهره برد. این نیازمندی در شرایطی برجسته می شود که انتقال مسؤولیت امنیت چند هفته بعد، به نیروهای داخلی در چند شهر مهم از جمله هرات رسما آغاز می گردد.

راسموسن دبیر کل ناتو در سفر اخیر که به کشور داشت تصریح کرد که نیروهای افغان و خارجی، توان شکست دادن شورشیان مسلح را در افغانستان دارند و به مخالفان مسلح هشدار داد که در جنگ کنونی، به پیروزی نخواهند رسید.

آقای راسوسن گفت: پیام من به دشمنان افغانستان روشن است. اگر به خشونت ادامه بدهید، هیچ پیروزی نصیب تان نخواهد شد و تنها با شکست روبرو خواهید بود.

او خطاب به طالبان و سایر مخالفان مسلح افزود: حالا زمان آن رسیده است که راه صلح را انتخاب کنید. صدای صلح خواهانهٔ مقامات ناتو و برخی از دیگر کشور های غربی از جمله امریکا در حالی بلند می شود که دولت افغانستان با تأسیس شورای عالی صلح یک سال است تلاش های همه جانبه را به خرچ می دهد، تا طالبان افغانستان دست از جنگ بردارند.

همانگونه که در بالا گفتم مرگ اسامه سبب شده است که مقامات غربی نیز دیدشان نسبت به جنگ افغانستان عوض شود و راهبرد صلح خواهانه در اولوینت سیاست های آنان قرار گیرد.

اما این طالبان هستند که با استفاده از منابع بیرونی فریب تیوری های افراطی بیگانگان را خورده اند و به شکل رسمی آمادگی گفتگوهای دو جانبه بین الافغانی را تا هنوز قبول نکرده اند.

در ادامهٔ افزایش خشونت ها از سوی طالبان، آیا گفتمان صلح منجر به نتایج قناعت بخش برای مردم افغانستان و جامعهٔ جهانی خواهد داد،

سوالی است که گذشت زمان به آن پاسخ می دهد!

میزان رشوه ستانی در ادارات دولتی سالانه به ۲،۵میلیارد دالر می رسد

شاهپور احمد عظیمی

از سالیان سال موضوع رشوه و اختلاس در ادارات دولتی یک امر غیر قابل اصلاح در پهلوی دیگر نا هماهنگی ها وجود داشته است. موجودیت حلقات فاسد در ادارات دولتی، رشوه و حاکمیت روابط بر ضوابط در تمام ارگان های دولتی به وضاحت دیده می شود. گروهی ازاستفاده جویان، رشوه خواران و یا هم حلقات مافیایی در ادارات دولتی از وظایف شان سوء استفاده نموده و بصورت دوامدار به این عمل خویش ادامه داده و با حق دادن به مقامات بالا تر و مفتشین همسو با آنان کارد را به حلقوم رسانده اند.

حشمت غنی احمدزی کارشناس مسایل سیاسی به این باور است "که ضعف ادارات حکومتی و بخصوص ضعف ریاست جمهوری و حس مصؤنیت مامورین بلند رتبه در مقابل جزا از جمله علت های عمده رشوت است. به نظر وی کمیسیون های ایجاد شده مانند کمیسیون نظارت بر تطبیق استراتیژی و مبارزه با فساد اداری زمینهٔ رشوه را در ادارت دولتی وافرتر ساخته است"

براساس گفته های مردم، هیچ یک از مسؤولان در انجام امور خود صادق نیستند و به مشکلات مردم رسیدگی نمی کنند، طوری که حتی برای گرفتن امضای یکی از مسؤولان روزها وقت شان به هدر رفته و مجبوراند پول هنگفتی رشوه بدهند. براساس داده های ادارهٔ عالی نظارت بر تطبیق استراتیژی مبارزه با فساد اداری، زمانی که مردم به ریاست ترافیک مراجعه می نمودند حدود ۱۵ الی ۲۰ هزار افغانی را باید رشوه می پرداختند. با این حساب در یک سال بیش از ۱۳ میلیارد افغانی رشوه در آن ریاست رد و بدل شده است.

اما حالا مطابق به طرح جدید، طی سه روز کار اخذ جواز در ریاست ترافیک تکمیل می شود، اما مراجعین اکنون از دست کسانیکه برای جلو گیری از رشوه در ریا ست تر فیک کار میکنند سخت نا راضی هستند ومیگویند گماشته شده گان ادارهٔ عالی نظارت بر تطبیق استراتیژی مبارزه با فساد اداری خود در این عمل غرق هستند. احمد زی یک شهروند افغانستان می گوید که جامعهٔ جهانی در امر مبارزه با فساد نیز صادق نیست، زیرا کشور ایتالیا که خود در فساد اداری غرق است، این کشور اصلاحات را در محاکم افغانستان بدوش گرفته است. به نظر این آگاهان از بین رفتن این پدیده از افغانستان وابسته به حس وطن دوستی مسؤولان بلند پایه افغانی و مجازات متخلفان از سوی مسؤولان قضایی کشور می باشد.

ریاست پاسپورت، که بر اساس لایحهٔ وظایف خویش همیشه پاسپورت سفید بدسترس داشته باشد، و لی طوری که مشاهده گردیده است مردم بیچاره برای ماه ها برای بدست آوردن پاسپورت انتظار می کشند و همه روزه در هوای سرد و گرم در پشت دیوارهای کانکریتی سر گردان می گردند. گاهی هم دیده شده است که با بر خورد خشن برخی اشخاص بیسواد که زیر نام پولیس کار می کنند، مرخص می گردند.

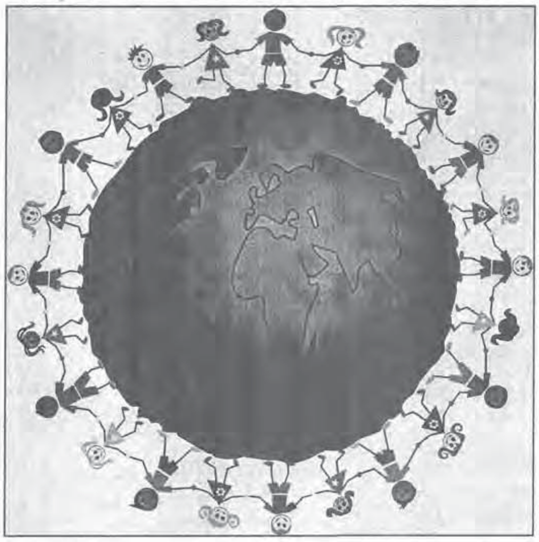
نا بکار بودن ادارات دولتی، موجودیت فساد، عدم رعایت قوانین و نظم"خودسری ها زمینه رشوه ستانی را برای مؤسسات غیر دولتی" ملی و بین المللی نیز مهیا ساخته است. در این کشور، خارجی ها نیز می توانند برای خود یک جلد پاسپورت افغانی، بطور یادگاری بگیرند.

گزارش تحقیقی سازمان ملل متحد که اخیراً در صفحهٔ انترنیتی « اشپیگل آن لاین انترنشنل»، در ارتباط به موجودیت رشوه در افغانستان به نشر رسیده است نشان میدهد که اگر شما به یک جواز راننده گی نیاز دارید، می توانید آن را در بدل ۱۸۰ دالر امریکایی، در ظرف چند ساعت، بدست آورید وبا۶۰ هزار دالر می توانید از زندان رها شوید.

بر اساس این گزارش در طی ۱۲ ماه گذشته مردم این کشور مبلغ ۲،۵ ملیارد دالر را که برابر با ربع تولید ناخالص داخلی کشور می گردد، رشوه داده اند. این تحقیقات نشان میدهد که رشوه در افغانستان جنگ زده چقدر ابعاد وسیعی را به خود اختیار نموده است. گزارش سطح رشوه را در این کشور برابر با یک چهارم تولید ناخالص داخلی آن ارزیابی می نماید. مطالعات نشان می دهد که رشوه چه قدر در حیات روز مرهٔ مردم افغانستان جاگیر شده است.

به بهانهٔ روز جهانی طفل

آیندهٔ هر جامعه بستگی به کودکان آن دارد



* تکساری *

جامعهٔ آیندهٔ افغانستان، به آموزش، پرورش و مسوولیت پذیری کودکان آن بستگی دارد؛ زیرا خانواده ها در تکوین شخصیت کودکان نقش اساسی دارند و تجارب دوران کودکی شخصیت بعدی آن ها را می سازد، مسوولیت پذیری، وطن دوستی، مکلفیت و مسوولیت در برابر حق و وظیفه در همین دوره در وجود شخص شکل می گیرد. از جانب دیگر دوران کودکی موجبات شکل گیری هویت انسان ها می باشد.

در همین دوره است که کودکان آهسته آهسته به سوی کسب هویت، هدایت داده می شوند. خانواده هایی که در بلا تکلیفی به سر می برند و در برابر هویت فرزندان خود کم بها می دهند، دیده می شود که این کودکان در فضای بی هویتی، لاقیدی و بی مسوولیتی بزرگ می شوند، که بزرگترین صدمات را به اجتماع آینده وارد می سازند.

هر قدر خانواده به کانون های پرحرارت و گرم برای کودکان تبدیل گردد، به همان پیمانه، این کودکان میراث مهر وعطوفت را از خانواده ها به ارث خواهند برد و به انسان های دارای هویت مشخص تبدیل خواهند گردید. نخستین مرکز آموزش و پرورش کودکان خانواده و به دنبال آن کودکستان، مکتب، مدرسه، محیط زندگی و روابط آنها به دوستان دور و نزدیک می باشد.

بعد از خانواده هر قدر محیط پرورش اطفال انسانی بوده باشد، اطفال می توانند در فضای این محیط سالم، با مسوولیت و دارای هویت مشخص دینی و ملی تربیه گردند. برای کودک که مفهوم و مدلول محبت را در خانه، درک نکرده است، مشکل است این کمبود را در محیط های دیگر جبران نماید؛ حتا گفته اند که کودک و قانونمداری، کودک و قانون گریزی از محیط خانواده آغاز می شود.

برای والدین لازم است، تا برای فرزندان خویش یک محیط سالم تربیتی و عاطفی را به وجود آورد؛ در صورتی که در محیط خانواده هنجار شکنی تربیتی و عاطفی وجود داشته باشد، فرزندان با خشونت، با هویت شکننده و در برخی از موارد هنجار شکن بار خواهد آمد، که نتیجهٔ آن بی مسوولیتی در اجتماع آینده خواهد بود. مشکل اساسی وقتی در کشور از جانب کودکان و اطفال روشن می گردد، که آمار و احصائیه های جمع آوری شده از سوی نهادهای حمایت از حقوق کودک نشان می دهد که پیش از ۶،۵ میلیون کودک در معرض خطر جدی قرار دارند.

سرباز گیری در صفوف مخالفان دولت و ارگان های امنیتی دولتی، کارهای شاق، نبود پوشش حمایوی آن ها از سوی خانواده ها که نان آور خانواده های خود را از دست داده اند، از دشواری هایی است که نه تنها زمامداران کشور؛ بلکه نهاد های مدافع حقوق کودک (یونیسف) و سایر نهادهای جهانی را نگران ساخته است.

عمده ترین چالش کودکان کشور را بد امنی، عدم تطبیق قانون، عدم امکانات مالی و نبود آگاهی مردم از حقوق کودکان تشکیل می دهند.

نظر به گزارش وزارت کار و امور اجتماعی تعدادی از اطفال زیر سن هژده در صفوف اردو و پولیس ملی قرار دارند. نظر به تصریح سخنگوی این وزارت، توافق به عمل آمده است که در این سه ارگان امنیتی کودکان زیر سن هژده به خدمت استخدام نگردند. تنها مشکل موجودیت این اطفال در ارگان های امنیتی و نظامی نیست؛ بلکه کار در روی جاده ها، خشت مالی، موتر شویی و ساده ترین کار آن ها تگدیگری و سایر کارهای خلاف کرامت انسانی می باشد، که باید به آن رسیدگی شود، در غیر آن آیندهٔ افغانستان، یک اجتماع محتاج، بیکار و عقده مند خواهد بود و اجتماع فردای ما فاقد مهر، عطوفت و بافت های قوی فردی و اجتماعی را تشکیل خواهد داد.

امروز در افغانستان، نه تنها کودکان در معرض خطر جدی قرار دارند و میلیون ها کودک از رفتن به مکتب محروم اند؛ بلکه یک رقم بلند دیگر از معیوب و معلول در کشور وجود دارد که آن ها را یک آینده مجهول تهدید می کند.

جو سیاسی و بحران اجتماعی همه روزه به تعدادی این کودکان معروض به خطر می افزاید؛ زیرا جنگ، ترور، پراگندگی خانواده ها، فقر و ناتوانی آن ها را به دنبال دارد، هر روز به تعداد اطفال بی سرپرست در کشور افزوده می شود؛ زیرا تبعات شرایط جنگی، فقر، بیکاری، پراگندگی خانواده ها و در فرجام متضرر اصلی آن کودکان خواهد بود.

آینده و فردای کشور بستگی به نسل امروز ما دارد، اگر به نسل امروز کشور توجه و اهتمام مبذول نگردد بدون شک آیندهٔ کشور از نظر بافت های اجتماعی و مسوولیت پذیری متزلزل خواهد گردید، نه تنها امروز در خطر و تهدید های ضد ارزشی قرار دارد؛ بلکه این تهدید ها آیندهٔ کشور را با چالش های بزرگ مواجه خواهد ساخت؛ زیرا اطفال امروز مردان فردای کشور اند و آیندهٔ کشور به دست کودکان امروز رقم می خورد، توجه به اطفال، در حقیقت توجه به فردای کشور خواهد بود.

امروز تعدادی از اطفال کشور نظر به شرایط نامناسب سیاسی و اجتماعی مرتکب جرم می گردند که ارقام این جرم در حال افزایش می باشد. به همین گونه در مقابل اطفال، دیگران مرتکب جرم می گردند و به قول مسوولین کار و امور اجتماعی، جزاهای تعیین شده برای این مجرمین در برابر اطفال بسیار نا چیز بوده و ضرورت به اصلاحات جدی دارد، تا از کودکان حمایت درست به عمل آید.

امروز در افغانستان شبکهٔ عملکرد محافظت اطفال که فعالیت آن در سال ۲۰۰۶ آغاز گردیده بود و در آن زمان یازده مرکز وجود داشت و در حال حاضر با پیش از ۸۲ مرکز در اکثر ولایات کشور فعالیت دارند که وظیفهٔ آن ها کمک و محافظت از اطفال آسیب پذیر می باشد که سازمان ملل متحد نیز این شبکه را به عنوان شبکهٔ حمایت از کودکان شناخته است در حالی که یک چنین شبکهٔ حمایوی از سوی سازمان های بین الملل در کشور سراسری نبوده، فقط شهر های بزرگ را تحت پوشش قرار می دهد و تا هنوز ارقام دقیق اطفال معیوب، معلول، بی سرپرست و اطفالی که به کار های شاق مشغول اند در کشور وجود ندارد با آن هم یک رقم درشت اطفال در کشور وجود د ارد که به کمک و نیاز جدی ضرورت دارند، تا حد اقل شرایط هم زیستی مسالمت آمیز و حقوق شهر وندی را به دست آرند.

د هیواد د سولې او پر له پسې ...

په وژنه تمام شو کوم چې د سیمه ایزو اربکیو په یوه غونډه کې د ګډون لپاره راغلي وو او د طالبانو د ادعاء له مخې دوی هم اربکیان وو.

په لغمان کې د دولت د مخالفینو دغه عملیات پداسې حال کې ترسره کېږي چې ددې ولایت والي څه وخت مخکې هم د طالبانو د یوې غټې ډلې له دولت سره د یو ځای کېدو په مناسبت غونډه نیولې وه او ددې ډاډ یې ورکړی وو چې په لغمان کې نور د دولت د مخالفینو زور اوبه شویدی.

د لغمان په ګاونډي ولایت نورستان کې بیا تیره اونۍ د دولت د مخالفینو د دوآب ولسوالي له دولت څخه نیولې وه که څه هم د اونۍ په پای کې بهرنیو ځواکونو او دولت په ګډه توګه پر مخالفینو د ځوابي حملې خبر ورکړی او ادعاء یې کړې چې دوآب ولسوالي یې له طالبانو څخه بیرته نیولې ده او له مخالفینو څخه یې د دیرشو تنو د وژلو ادعاء هم کړې؛ پداسې حال کې چې د دولت مخالفینو بیا د یو تن د وژل کیدو خبر ورکوي او دولت ته د درنو تلفاتو د اړولو ادعاء لري؛ وایي: چې د دولت پیاده ځواکونه لا دغې ولسوالۍ ته ندي داخل شوي.

که څه هم د دوآب ولسوالي چې د نورستان ولایت په لویدیځ کې لغمان ولایت سره نږدې واقع ده، د یو داسې هموار موقعیت لرونکې ده چې شاوخوا یې لوړ لوړ غرونه قرار لري او هره شیبه یې د طالبانو لخوا د بیا نیولو اندیښنې شته.

د ختیځ په بل ولایت کنړ کې هم تیره اونۍ د نورګل ولسوالۍ په مزار دره کې هم د دولت او مخالفینو تر مینځه نښته شوې وه چې دولت پکې خپلو مخالفینو ته د درنو تلفاتو اړولو ادعاء لري او طالب ویاند ذبیح الله مجاهد یوازې د شپږو تنو د مړو کیدو تصدیق کوي خو د بهرنیو ځواکونو د دوه وو موټرونو د ویجاړولو ادعاء لري.

د ننګرهار په ولایت کې هم، هغه تیره اونۍ طالبانو په خپل یو برید کې د پولیسو اکاډمۍ د دیارلسو تنو استادانو د وژل کیدو او د تورخم ـ جلال آباد په لیار د ګمرک په سیمه کې د شپږو ټانکرونو د ویشتلو او سوځلو ادعاء کړېوه.

همدارنګه دې ته ورته داسې نورې امنیتي پیښې د هیواد په شمال، لویدیځ او جنوبي ولایتونو کې رامینځته شوې دي؛ دغه ګرد واړه ددې څرګندوی دي چې د طالبانو او د دولت د مخالفینو ګوزارونه د امریکا د ادعاء پر بنیاد د اسامه بن لادن له وژل کیدو وروسته لاپسې ډیر شوي دي او د القاعده مشر بن لادن له وژل کیدو سره طالبان نور هم پیاوړي شوي او یا دا چې د انتقام په توګه یې په خپلو عملیاتو کې شدت راوستی دی. او داسې بریښې چې د سولې د عالي شورا هڅې لکه چې څومره ورځخه پخپله نړیوال د ملاتړ ادعاء کوي (چې پدې لړ کې د تیرې پنجشنبې په ورخ د امریکا د ولسمشر اوباما او انګلستان د صدر اعظم ډیوید کامرون ترمینځه په یوه کتنه کې له دې هڅو ملاتړ څرګند شو) په هغه کچه پکې پرمختګ نه په سترګو کیږي لکه چې د افغانستان دولت یې ادعاء لري او وایي چې د مخالفینو یو ګڼ شمیر له دوی سره په تماس کې دي او یا له دولت سره یوځای شوي دي. او دا ځکه چې مخالفینو ته د سولې د عالي شورا موجوده ترکیب ډیر د ډاډ وړ ندي ولې چې په ترکیب کې داسې افغاني څیرې نشته چې د جګړې دواړو لوریو ته په برابره توګه د اعتماد وړ اوسي. او له بلې خوا دا اندیښنه هم لري چې ګویا د امریکا بهرنیو ځواکونو او نړیوالې ټولنې ملاتړ ورته حاصل ندی چې د اوباما او کامرون په وروستۍ لیدنه کې د سولې له هڅو څخه په ملاتړ او مخکې بوتللو باندې اتفاق څرګندیدل، هم ښایي په همدې منظور اعلان شوی وي. خو لومړنۍ نیمګړتیا لا په خپل ځای موجوده ده او د هیواد په ګوټ ګوټ کې د نا امنیو راپیښیدل او د افغانستان د دولت د مخالفینو پرله پسې ګوزارونه ددې څرګند دلیل دی؛ نو باید چې دولت دغه نیمګړتیا پوره کړي او د سولې په عالي شورا کې هغه څیرې رامینځته شي چې د بن له پریکړې راهیسې په دغه نظام کې مطرح نه وي پاتې شوي؛ څو د دولت مخالفین ځواکونه او د افغان ولس پراخه پرګنې پرې باور وکړي.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارګان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیــــشه هـــای مقـــالات غیـــر از ســـرمقاله لزومـــاً مبـــین آرا ومواضـــع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ هشتم ۷ جوزای ۱۳۹۰ ۲٤ جمادی الثانی ۱٤۳۲ - 29 May 2011

هیواد د سولې او پرله پسې نا امنیو تر مینځه

شفیق



له کومي ورځې راهیسې چې اته شپیته کسیزه د سولې عالي شورا اعلان شوې ده نو دغه شورا ادعاء لري چې د افغانستان د دولت له مخالفینو سره یې خبرې روانې دي او هم یې وخت پر وخت د هیواد په ګڼو ولایتونو کې د وسله والو مخالفینو څخه د مختلفو ډلو له دولت سره د یو ځاي کیدو خبرونه خپاره کړي دي؛کوم کارته چې هر افغان په نیک شګون سره ګوري او ددې انتظار باسي چې هغه ورځ به کله راځي چې نور افغانان له جګړې څخه لاس واخلي، زمونږ هیواد په ریښتیني معنا د یوې سرتاسري سولې کوربه شي او له هیواد څخه مو د جګړو تغر ټول شي.

خو که د رسنیو څخه پدغه خبرونو کې زیاتوالی راغلی نو ورسره سم د سولې د عالي شورا له اعلان وروسته د نا امنیو په پیښو کې هم ډیروالی راغلی دی او لکه چې د امریکا دولت له مخکې څخه وړاندوینه کړیوه چې سږنی کال به په افغانستان کې د جګړو له مخې یو خونړی کال وي، هماغسې وشوه؛ د سږني میلادي کال له پیل راهیسې د هیواد په ټولو لوریو کې جګړې زیاتې شوې او د دولت پر خلاف د مخالفینو په غلچکي بریدونو کې هم څو برابره ډیروالی راغلی دی؛ د جنوبي ولایتونو سربیره ختیځ ولایتونه چې په نسبي توګه آرام ولایتونه وو، لکه : ننګرهار، کنړ، لغمان او نورستان، هغه هم د تیر کال په نسبت ډیر نا آرامه دي او د دولت مخالفین توانیدلي دي چې پدې ولایتونو کې د نا امنیو او غلچکو بریدونه لړۍ تازه وساتي.

چې د هغو له جملې څخه یو هم په تیره اونۍ کې د لغمان ولایت په قلعه نجیل ولسوالۍ کې د سیمه ایزو اربکیو له یوې غونډې وروسته هوټل ته د غرمې د ډوډۍ لپاره د تګ پر مهال په لیار کې په قومي مشرانو باندې د طالبانو برید وو، چې د څلورو تنو هغو قومي مشرانو ۷مخ

نمایندهٔ روسیه در افغانستان:
امریکا پیش از خروج باید وعده هایش را درافغانستان عملی کند

اندیشه

ضمیر کابلوف نمایندهٔ روسیه برای افغانستان گفته است که نیروهای امنیتی افغانستان هنوز آمادهٔ پذیرفتن مسؤولیت های امنیتی نیستند. ضمیر کابلوف افزود که این سخن را نه به خاطر دشمنی با کشوری، بلکه به خاطر نگرانی روسیه در این مورد می گوید.

به گفته کابلوف، بیست درصد نیروهای امنیتی افغانستان از قابلیت های رزمی برخوردارند و ارقام که در مورد تعداد این نیروها از سوی ناتو و امریکا داده می شود، صرفاً خود فریبی می باشد.

کابلوف هم چنان گفت که روسیه بیرون شدن نیروهای امریکایی را از افغانستان ضروری می داند، اما امریکا باید پیش از بر آمدن از افغانستان وعده هایی را که سپرده عملی کند، یعنی باید اردوی افغانستان را نیرومند بسازد و اقتصاد این کشور را توسعه بخشد. بارک اوباما رییس جمهور امریکا وعده کرده است که پروسهٔ کاهش نیروهایش را از افغانستان در ماه جولای آغاز خواهد کرد.

اما در عین حال گفته است که ایالات متحدهٔ امریکا تا زمانی که نیازی برای حضورش در افغانستان باشد در آن جا می ما ند و همکاری های خود را به افغانستان ادامه خواهد داد.

عقد پیمان استراتیژیک میان افغانستان و امریکا که در آن شرایط افغانستان برای تقویت زیربناهای کشور مطرح است، از دیر زمانی زبان زد محافل سیاسی و نظامی شده است.

کشور روسیه با حضور پایگاه های نظامی امریکا در افغانستان مخالف است، اما این بار کابلوف نماینده روسیه گفته است، امریکا نباید قبل از تکمیل وعده هایش افغانستان را ترک نماید.

تا هنوز معلوم نیست که اظهارات آقای کابلوف نشان دادن چراغ سبز به به امریکاست یا واقعیت های عینی ساختارهای نیروهای امنیتی، آسیب پذیری و چالش های بالفعل در کشور.

روسیه یکی از کشورهایی است که در قبال قضایای افغانستان حساس می باشد. تجاوز قوای اتحاد جماهیر شوروی سابق در دههٔ هفتاد میلادی وشکست آن در دههٔ هشتاد درس های زیادی را به آنان آموخته است.

با آن که روسیهٔ کنونی مخالف حضور امریکا در افغانستان است، اما اوضاع متشنج و تهدیدات مشترک، می تواند به عنوان فاکتور های همگرایی قدرت های متضاد در منطقه باشد.

شفیق

په پاکستان کې پرله پسې درنې حملې



په سیمه کې د ترهګرۍ (؟) پر خلاف روانې جګړې هغه وخت نوی پړاو پیل کړ چې د پاکستان د دولت مخالفینو د پاکستاني دولت پر خلاف خپل عملیات بحري بیړیو ته هم وغزول؛
د مئ په دوهمه نیټه د القاعده د مشر اسامه بن لادن پر خلاف د امریکایي کماندویانو له چټکو عملیاتو وروسته (چې اوباما یې د نتایجو پخپله اعلان کړی وو) د پاکستان په خاوره کې د پاکستان پر دولت باندې دوهم ستر ګوزار هغه مهال ترسره شو چې دولس تنو برید کوونکو د پاکستان په بحري قوه (P N S) باندې د اتلسو ساعتونو لپاره حمله وکړه او په ځاني تلفاتو کې یې د دیارلسو امریکایي سرتیرو د وژلو او پنځلسو نورو د ټپي کیدو او دوه وو بحري بیړیو د له مینځه وړلو ادعاء وکړه؛ پداسې حال کې چې د پاکستان دولت ددغو امریکایي عسکرو د حملې له ځای څخه د وتلو ادعاء کوي.
خو هغه څه چې ددې حملې ځانګړتیا ده، هغه داده چې له یوې خوا دغه حمله د لومړي ځل لپاره په بحري څواك حمله وه او په سمندري هډه کې ترسره شوه او له بلې خوا د پاکستان د دولت پر خلاف ډیر زیات مالي زیان اړونکی ګوزار وو؛ څکه د حملې په نتیجه کې چې کومې دوه بیړۍ له مینځه تللې دی د یوې بیړۍ بیه یې څه د پاسه پنځه سوه میلیون ډالره ده او دا د هغه نوعیت لرونکې بیړۍ وې چې یوازې د امریکا، فرانسې او انګلستان هیوادونه یې په خپلو سمندري څواکونو کې له دې امله کاروي چې راډارونه یې نه ښایې نو څکه دغه حمله د پاکستان د سمندري څواکونو لپاره یو ملا ماتوونکی ګوزار وو. چې د پاکستان د شمال مغربي آیالت پښتونخوا، بلوچستان، پنجاب او قبایلي سیمو وروسته په سند آیالت او په ځانګړې توګه د کراچۍ په سیمه کې د خپل نوعیت له مخې دروند عملیات وو.
همدارنګه په تیره اونۍ کې د چهارشنبې په ورځ د پېښور ښار په کوز تاکال سیمه کې د سي ای ډي دوه پوړیزه تهانه هم د پاکستاني دولت د مخالفینو لخوا د یو شازور پك آپ په وسیله والوزول شوه چې نږدې درې سوه کیلو ګرامه چاودیدونکي مواد پکې کارول شوي وو. د لومړنیو معلوماتو په رڼا کې د پاکستان حکومت د دوه تنو پولیسو د وژل کیدو او نولس تنو د ټپي کیدو خبر ورکړی وو؛ پداسې حال کې چې پدغه تهانه کې به د معمول سره سم پنځه ویشت کسان اوسیدل، نو څکه کیدای شي چې ځاني تلفات له دې څخه هم ډیر اوسي.
د یادونې وړ ده چې څو ورځې وړاندې هم د سرحد آیالت په شبقدر ډیرۍ کې په یو پوځي تربیت ځاي باندې دوه چاودنې ترسره شوې وې چې پکې له اتیاوو څخه زیات پوځي روزنه اخستونکي پوځیان وژل شوي او همدومره نور ټپیان شوي وو چې دغه حمله د خپل نوعیت له مخې د ډیرو زیاتو انسانانو وژونکي حمله وه او ملکي وګړي هم تلفات وو.
پداسې حال کې چې په کویټه او نورو سیمو کې هم دې ته پکې ورته حملې د پاکستان پر دولت ترسره شوي دی خو په تیرو دوه وو اونیو کې یوازې دغه درې حملې هغه درنې حملې وې چې د پاکستان پر دولت ترسره شوي دی حکومت ته یې ګڼ شمیر ځاني او مالي زیانونه اړولي دي او دا ددې ثبوت دی چې د اسامه له پیښې وروسته ددغه هیواد امنیتي وضع ډیره زیاته خرابه شویده.
له یوې خوا له دا ډول ترهګرو (؟) عملیاتو سره مخ دی او له بلې خوا ددغه هیواد پایتخت اسلام آباد ته نږدې په ایبټ آباد غونډې پوځي ځاي کې د اسامه له را پیدا کیدو وروسته دغه هیواد ته ټوله نړۍ د ترهګرۍ (؟) پر خلاف د عملیاتو ترسره کولو لپاره د همکارۍ په ادعاء د شك په نظرسره ګوري او اوس پاکستان ټولې نړۍ په خوله کې اخستی دی چې له امله یې دغه هیواد د ډانګ او پړانګ تر مینځه ودرولی دی چې دا ډول پالیسې ددغه هیواد د تباره کیدوه لامله کیدای شي، که چیري زمونږ ګاونډي پاکستان د افغانستان په مسئله کې له صداقت څخه کار اخستی وای نن به په هماغه کوهي کې نه پریوتلو چې د نورو لپاره یې کیندلی وو.